

دعوت از سیدکمال حیدری برای شرکت در کرسی‌های نظریه‌پردازی

آداب نوآوری و اصلاح نگاه‌های دینی

ابوالقاسم علیدوست

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

تقریباً از تیرماه ۱۳۹۲ تاکنون کلیپ‌های متعددی از آقای سیدکمال حیدری منتشر می‌شود. شاید اظهارات ایشان در تلویزیون الکوتر، در رمضان ۱۴۳۴، اولین موردی بود که مسیر جدید تفکر و رفتار وی را نشان می‌داد. مطابق آنچه در رسانه‌ها مندرج است ایشان در آن برنامه بیان کرد که بسیاری از میراث‌روایی شیعه از کعب‌الاحبارها، یهودیان، نصرانی‌ها و مجوسی‌ها به ما رسیده است و شاید آخرین موردی که از وی منتشر شد اواخر تیرماه سال جاری و بحثی تحت‌عنوان «چالش‌های پیش‌روی دین و مدرنیته در مواجهه با ویروس کرونا» بود.

این کلیپ‌ها واجد چند ویژگی‌اند. مراد از «ویژگی»، ویژگی‌های ارزشی نیست -یعنی بنا ندارم هنجارشناسانه بحث و ارزیابی کنم- بلکه مقصودم هستی‌شناسانه و واقعیت‌هایی است که وجود دارد. اولاً کلیپ‌های ایشان در شبکه‌های اجتماعی داخل و خارج حتی شبکه‌ای مثل شبکه کلمه-مربوط به وهابیت-دست‌به‌دست می‌شود. بارها شده دوستانی -که نه دانشگاهی‌اند و نه حوزوی- کلیپ‌های ایشان را دیده و شنیده‌اند.

ویژگی دوم این است که ایشان به ساحت‌های مختلفی ورود کرده است: فقه، اعتقادات، معارف، مسائل کلان و بنیادین و حتی مسائل جزئی -مثل اینکه آیا ملاقات با امام زمان در عصر غیبت ممکن است؟ یا مطلبی که جناب شیخ مفید در مورد جناب صدوق بیان کرده است-تا بحث‌هایی کلان‌تر و عام‌تر. ویژگی سومی که در همه کلیپ‌ها دیده می‌شود، نقد قرائتی از دین است که ایشان به‌عنوان قرائت رسمی از آن یاد کرده و آن را نقد می‌کند.

آقای حیدری انسان پرکاری است، در کار خود مصمم است، شبکه گسترده‌ای از سایت و کانال و موسسه علمی فرهنگی و نیز شاگردانی دارد. در مدتی که ایشان وارد این فاز جدید شده

است، عده‌ای به‌عنوان مدافع از ایشان دفاع می‌کنند و در مقابل در این مدت مخالفانی پیدا کرده و ردیه‌هایی هم علیه وی نوشته شده است. شاید اولین ردیه از یکی از مراجع بود که در شهریور ۹۲ در پاسخ به سوالی راجع به ایشان و کار ایشان بیان شده است. در سال ۹۶ نیز یکی از آیات مطالبی را علیه او مطرح کرده است. گروهی مجازی به‌نام «بن‌بست» نیز از دی‌ماه ۹۶ -حسب اطلاع بنده- فعال است و مطالبی را علیه ایشان و رفتارشان منتشر کرده و یکی از علمای عراق هم در اردیبهشت ۹۷ مطالب‌تندی [علیه ایشان] بیان کرده است و آخرین مورد هم بعد از تیرماه جاری، وقتی‌ایشان چالش‌های پیش‌رو را مطرح کرد، برخی از فضایی حوزه و دانشگاه به ایشان جواب‌هایی دادند. بنده به دو جهت وارد این بحث می‌شوم:

اولاً هنوز ناگفته‌ها زیاد است.

ثانیاً بنده از طرف شورای عالی انقلاب‌فرهنگی مسئولیت کرسی‌های نقد، نوآوری و نظریه‌پردازی را در بخش علوم نقلی به‌عهده دارم. با توجه به این مسئولیت در انتهای این مطلب پیشنهادی نیز مطرح می‌کنم که می‌تواند ورود بنده را توجیه کند.

از کسانی که نسبت به کار، رفتار و شخصیت ایشان بی‌طرف‌اند که بگذریم، دو دیدگاه می‌بینیم: بعضی معتقدند کار ایشان درست است. در آخرین دفاعی که موسسه علمی- فرهنگی امام جواد(ع) در ششم مردادماه سال جاری منتشر کرد (ظاهراً این موسسه وابسته به خود ایشان است) آمده:

«آیت‌الله حیدری به خود دین و تشیع اشکال وارد نمی‌کند. به باور وی اصل دین، قرآن، پیامبر (ص) و اهل‌بیت(ع) به‌عنوان بهترین گره‌گشا و حل‌کننده مشکلات کلان فکری، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی و حتی جامعه بشری‌اند. اما این فهم، برداشت و قرائت نادرست و نامعقول برخی عالمان دین است که گاهی ناکارآمد و نقدپذیر است. هدف اصلی آیت‌الله حیدری از طرح بحث مذکور و امثال آن، ایجاد سوال در اذهان جامعه علمی و حتی عموم مردم جهت پویایی افکار و درگرفتن بحث‌های تحلیلی و انتقادی میان موافقان و مخالفان است.... جامعه‌ای که در آن سوال نباشد، طرح شبهه نباشد، ایست می‌شود.... حوزه‌های علمیه و عالمان دین به‌جای مذمت طرح اصل سوال، به ارائه پاسخ‌های متفن‌پیردازند و از این‌رهگذر تبیینی معقول و اثربخش از دین در مواجهه با مشکلات جوامع بشری پیش‌رو

نهند. تجربه نشان داده نمی‌شود جلوی طرح سوال را گرفت، بلکه باید اجازه طرح سوال، اشکالات و مناقشات را از طرف مردم و حتی خود موسسات داد و به ارائه پاسخ‌های مستدل، معقول و به‌روز پرداخت.»

این حرفی است که یک موسسه طرفدار یا وابسته به ایشان می‌زند. قهراً خود وی و شاگردان و مریدان ایشان هم همین مطالب را خواهند گفت.

بیان ادامه‌این مطلب برای بنده دشوار است ولی چون باید رعایت اعتدال و انصاف بشود و چون طرف اول را گفتم، باید اشاره به طرف دوم هم داشته باشم. در مقابل برخی به شخص ایشان و

برخی به کار ایشان و البته بعضی هم به هردو انتقاد دارند. یکی از آقایان آیت‌الله میلانی است و بیان می‌کند که حرف‌هایی که آقای حیدری می‌زند را یک شیعه نمی‌زند. به نظر حتی ایشان می‌گوید که ناصبی هم [این حرف‌ها را] نمی‌زند. بیدیک مورد را [به‌عنوان نمونه و شاهد] می‌آورد.

گروه مجازی «بن‌بست» [مواردی را] تحت‌عنوان «سرقت‌های علمی» ایشان -بنا ندارم در تعبیر تصرف کتم والا این تعبیر را به کار نمی‌بردم- از کتاب‌های ایشان و کتاب‌هایی که ایشان از آنها گرفته، می‌آورد و مقابله می‌کند. مطالب مفصلی است که در دی‌ماه ۱۳۹۶ مطرح و منتشر شده است. شاید تندتر از همه آن مطالب، مطلبی است که آقای سیدیاسنین موسوی از عراق مطرح می‌کند و بالاخره می‌گویند: ما مطالب وی را ناصحیح و کار او را در خدمت

دین نمی‌بینیم، بلکه به ضرر دین می‌بینیم. ما کار به شخص ایشان نداریم و راجع به شخص ایشان صحبتی نداریم. ما در جایگاه خدای متعال نشسته‌ایم، قسم جنت و نار هم نیستیم حتی من نمی‌خواهم مقصر معرفی کنم یا حتی نمی‌خواهم توصیه و نصیحت کنم. لذا اسراع کار ایشان می‌رویم و جریانی که مشابه کار اوست؛ به‌همین خاطر دیگرانی هم که شبیه ایشان رفتار می‌کنند در بحث کنونی بنده داخل‌اند. من جریانی که ایشان دنبال می‌کند -و دیگران هم با ایشان هستند- را جریان صالحی نمی‌بینم.

اولاً نوع رفتار ایشان را ضد‌عرض خودش می‌دانم. ثانیاً نتیجه رفتار وی -که حتی ممکن است مقصود او نباشد- را موفق نمی‌بینم. ثالثاً امروز جریانی داریم سنت‌زدا؛ جریانی که می‌خواهد- به‌زعم خود- پایه‌ها را خراب کند و مثلاً براساس خرابه تراث، یک بنیانی بسازد. مثلاً وقتی آقای سروش مطرح می‌کند که کل روایات ما خرافه است و روایات صحیح مثل یک انگشتری است در تلی از زباله، این [سخن] چه کار دارد می‌کند؟ یا وقتی آقای حیدری مرتب حمله می‌کند به فقیهان، متکلمان و قرائت‌های رسمی -که البته بعضاً هم رسمی نیست، ممکن است برای فلان مداح، فلان روضه‌خوان یا فلان مبلغ باشد که مثلاً یک جامطلبی طرح کرده یا نه حتی نظر مشهور هم باشد نظر فقهی هم باشد که من بعضی مواردش را قبول دارم -این جریان جریانی است که تراث را از بین می‌برد.

نکته دیگر نوع رفتار ایشان است. آیا این جور رفتار برای آفرینش تحول، برای نوآوری و برای نظریه‌پردازی، موفق

است؟ آیا به پیشرفت نگاه دینی کمک می‌کند؟ یا اینکه یک عقب‌گرد است، یک «نه‌بزرگ» است؟ یعنی نوع رفتار برای اصلاح نگاه‌های دینی، رفتاری است که نه عقل تأیید می‌کند، نه تجربه و نه نقل. بالاخره اثر این کار ایجاد تشکیک است. در یک مورد خود ایشان نقل می‌کند و می‌گوید: «من وقتی که در «فقه‌المرأة» مطالبی راجع به زنان و حجاب مطرح کردم، برخی به من نامه نوشتند که ما در حجاب‌مان دیگر تردید جدی داریم» لقدوصلتني رسائل متعددة تقول سيدنا هذه الابحاث التي تطرحونها في فقه المرأة أدّى بالبعض ان يشكك في عقيدته أدّى بعض الاخوات آن ينزعوا حجابهم أدّى أدّى.... [و ضمن همین بحث] موارد را می‌شمارد.

این اثری است که فکر می‌کنم لامحاله مترتب است و اگر متصلبان بخواهند در آن مسیر -که ایشان آن مسیر را باطل می‌دانند و به قول خود، قرائت رسمی دین می‌داند-تصلب پیشه کنند، بهانه به دست آنها می‌دهد. این رفتارهاست که راه‌هر نوع نوآوری و نظریه‌پردازی و نقد را می‌بندد. برای اینکه وجدان مخاطبان را قدری بیشتر دخیل کنم، از دو مورد از کلیپ‌هایی که از ایشان منتشر شده و خود گوش کرده‌ام، نکاتی عرض می‌کنم. در حمله داعش به عراق و زمانی که داعش به موصل حمله کرده و آن را اشغال کرده بود، ایشان یکدفعه وارد در صحنه شده و می‌گوید: «خب داعش کذا و کذا... تکفیری‌ها کذا... تقصیر کیست؟» می‌گوید تقصیر یا می‌گوید یکی از عوامل «فتاوایی است که برخی از فقهای ما [یعنی شیعه] در کتاب‌هایشان دارند.» بعد جواهرالکلام فقهی نجفی را باز می‌کند در آن بحثی که راجع به اهل تسنن دارد که غیبت اینها جایز است، می‌شود سب‌شان کرد، می‌شود لعن‌شان کرد. همین‌جا عرض کنم بنده مدافع حرف صاحب جواهر نیستم و در درس خارج فقه هم در بحث غیبت آن رارد کرده‌ام ولی می‌خواهم عرض کنم این حرکت آقای حیدری مبتلا به زمان‌پریشی است. داعش حمله کرده و جنایت می‌کند اما ایشان توپ را می‌اندازد در زمین فقه‌ای شیعه که این جور فتاوا باعث [حملات داعش] شده، بدون اینکه اشاره کند که این فتوا در چه زمانی مطرح شده است. جهت اطلاع می‌گویم جناب صاحب جواهر در سال ۱۲۲۶ قمری نوشتن جواهرالکلام را شروع می‌کند. نوشتن جواهر حدود ۳۰ سال طول می‌کشد. در سال ۱۲۵۷ یعنی ۱۰ سال قبل از وفات صاحب جواهر، جواهر تمام می‌شود و این دوران بعد از مقطعی است که وهابیت اهل تسنن حدود ۱۰ بار به عراق حمله داشته است. آنان در سال ۱۲۱۶ حمله‌شان را شروع می‌کنند وارد کربلا می‌شوند و حدود پنج‌هزار نفر را می‌کشند. شعارشان «اقتلوا المشرکین» و «مشتهدین» است. وارد ضریح مطهر می‌شوند. ضریح را نابود می‌کنند. غارت می‌کنند. قاذورات و کثافت داخل حرم می‌ریزند. مردم در عید غدیر بعضاً به نجف می‌فتند پس آنان از این خلوتی شهر استفاده می‌کنند و این جنایت را می‌آفرینند و پس از کشتار پنج‌هزارنفر از شهر می‌روند. اینان مجدداً در سال‌های دیگر به عراق حمله می‌کنند. در سال‌های ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲ و ۱۲۲۵ تا ۱۰ حمله را نوشته‌اند. در برخی حمله‌ها قدری موفق بودند ولی در بیشتر حمله‌ها هم ناموفق بودند. در سال ۱۲۲۵ آخرین حمله‌شان است -تا آنجا که من دیده‌ام- و نوشتن جواهرالکلام هم در سال ۱۲۲۶ شروع می‌شود. این را هم اضافه کنید که آن زمان اینطور نبود که بگویند وهابیت، تکفیری و... این حرف‌ها نبود. اهل تسنن را به سنیت مدینه و مکه می‌شناختند. امروزه این رمزبندی‌ها پیدا شده یعنی هر کاری اهل مدینه یا مکه می‌کردند در کربلا به حساب اهل تسنن گذاشته می‌شد.

در چنین فضایی صاحب جواهر آن فتوا را می‌دهد. آقای حیدری! اگر [به‌عنوان شاهد بحث] جواهر خوانده می‌شود، با غلظت هم خوانده می‌شود، لازم است مقطع زمانی تألیف آن هم گفته شود. چرا صاحب جواهر تفکیک نکرده است؟ است؟ آیا به پیشرفت نگاه دینی کمک می‌کند؟ یا اینکه یک عقب‌گرد است، یک «نه‌بزرگ» است؟ یعنی نوع رفتار برای اصلاح نگاه‌های دینی، رفتاری است که نه عقل تأیید می‌کند، نه تجربه و نه نقل. بالاخره اثر این کار ایجاد تشکیک است. در یک مورد خود ایشان نقل می‌کند و می‌گوید: «من وقتی که در «فقه‌المرأة» مطالبی راجع به زنان و حجاب مطرح کردم، برخی به من نامه نوشتند که ما در حجاب‌مان دیگر تردید جدی داریم» لقدوصلتني رسائل متعددة تقول سيدنا هذه الابحاث التي تطرحونها في فقه المرأة أدّى بالبعض ان يشكك في عقيدته أدّى بعض الاخوات آن ينزعوا حجابهم أدّى أدّى.... [و ضمن همین بحث] موارد را می‌شمارد.

آن زمان چه کسی تفکیک می‌کرد؟! شما از کدام فقیه نامی سراغ دارید که فتاوایی داده باشد برای قتل اهل تسنن؟ حالا اگر در گوشه‌ای کسی چیزی گفته باشد، من از آن دفاع نمی‌کنم، گرچه سراغ ندارم. امروزه چه کسی عراق را نگه داشته است که حمام خون به‌راه نیفتد؟

یکی از آقایان عربستان گفته بود که اگر آیت‌الله سیستانی فکر علمای ما را داشت، در عراق حمام خون به‌راه می‌افتاد. مورد دیگر در سال ۹۸ بود که کلیبی از ایشان منتشر شد. وی در این کلیپ کتابی را می‌آورد که شیخ مفید در این کتاب راجع به جناب شیخ صدوق چه نوشته است. بعد عبارت جناب مفید را می‌خواند که مفید گفته است «ایشان -یعنی صدوق- دیوانه است. تکلیف از او ساقط است. صاحب هواس‌ت.» بعد ایشان می‌گوید داوری کنید. یا شیخ مفید دارد خلاف می‌گوید -که یعنی دارد بزرگی را متهم می‌کند به دیوانگی و... یا شیخ صدوق همین‌طور است و شیخ مفید درست می‌گوید. اگر شیخ مفید نامربوط حرف می‌زند، این عالم شیعه، شیخ‌مفید چه صلاحیتی دارد؟ اگر شیخ‌مفید راست می‌گوید و شیخ صدوق این‌طور است، شما دین‌تان را از روایات شیخ صدوق کتاب‌های او می‌گیرید.

در ارزیابی این کار آقای حیدری باید گفت: کتابی که ایشان عرضه می‌کند، «النکت الاعتقادیة» است که ضمن آن کتاب «عدم سهو النبی» و به شیخ‌مفید منسوب است ولی در صحت انتساب این کتاب به شیخ‌مفید بحث‌های جدی است. شیخ‌علی نواذه شهیدثانی می‌گوید تأمل جدی دارم در اینکه این کتاب از شیخ مفید باشد. حاج آقابزرگ تهرانی که ایستاده بر قله شناخت کتاب و مولف است، می‌گوید: «تأمل شیخ‌علی بجاست مخصوصاً که جزء تالیفات شیخ‌مفید -چه نجاشی که تالیفات او را می‌شمارد و در مقام حصر هم هست چه خود شیخ‌مفید وقتی کتاب‌هایش را می‌شمارد- اصلاً نامی از این کتاب نمی‌برد.»

در جاهای دیگر وقتی شیخ‌مفید از شیخ‌صدوق یاد می‌کند، با احترام تمام یاد می‌کند. از معاصران هم کسانی [را می‌شناسیم] که استاد این فن هستند و در این کار تأمل جدی دارند. آقای حیدری، اینها هم گفته بشود! بله کتابی چاپ شده. مگر ما کم کتاب داریم که گاهی به نام افراد چاپ شده ولی انتسابش به آن افراد معلوم نیست؟ مگر اشعثیات، که منسوب به ابن‌اشعث است، مشکوک نیست. اینها نمونه‌های کار آقای سیدکمال حیدری است. جناب آقای حیدری، دوستان ایشان و حتی کسانی که مثل ایشان کار می‌کنند: بنا شد نصیحت نکنم ولی بگذارید این آیه‌را برای خود بخوانم «لاتتقم مالیس لک به علم. ان السمع و البصر و الفواد کل اولئک کان عنه مسوولا.» آقای حیدری نوآوری و اصلاح نگاه‌های دینی، ادب دارد، شرایط دارد:

۱. احترام به تراث گذشتگان. این‌طور نیست که تراث گذشتگان همه خرافه و همه غلط باشد. باید آن ارزش‌ها را پررنگ کرد و ذکر نمود.

۲. رعایت هنجارهای علم. هر علمی و هر پدیده‌ای، هنجار خودش را دارد.

۳. صداقت و پرهیز از «راست ناقص» و عدم شفافیت.
۴. زمان و مکان باید در نظر گرفته شود یعنی شناخت اقتضات زمان و مکان.

۵. بحث را در جوامع علمی مطرح کردن. من این اشکال را با برخی سخنرانان خارج از کشور هم دارم. یک دانشجو- با همه احترامی که دارد- برای این بحث‌ها گاهی عوام است. همین‌طور که امثال ما برای فیزیک و شیمی و زیست‌شناسی و ریاضی عوامیم. کسی نمی‌تواند بگوید اینها باهم فرق دارد. خیلی از موارد فرق نمی‌کند. این دو موردی که من راجع به «فتوای صاحب جواهر» و «النکت الاعتقادیة» عرض کردم را آیا کسی با عqlش می‌فهمد؟ آیا صحیح است که این موارد را، در کلاسی یا جمعی که از این مطالب اطلاع ندارد، مطرح کنید؟

جالب این است که وقتی اشکال می‌شود که بعضی‌ها منحرف شدند، آقای حیدری می‌گوید: «هذه ابحاث علمیه.» اینها بحث‌های علمی است... تخصصیه و لیس فتوا فقهیه ولا فتاوا عقائديه.. حالا بگذریم از اینکه بارها می‌گوید «فتی.» فتوا می‌دهم. ولی اینجا فرموده است که فتوا نیست. «حتی عملون علیها و ترتبون علیها آثارها هذہ دروس للمختصين.» این بحث‌ها بحث‌های تخصصی است برای متخصصان. «هذه بحوث تسمی بحث الخارج في الحوزات العلمیه.» آقای حیدری کلیپ شما فقط برای اهل درس خارج منتشر می‌شود و به‌دست اینها می‌رسد؟ نوآوری ادب دارد.

بنده به‌عنوان مسئول کرسی‌های علوم نقلی از شما تقاضا می‌کنم و دعوت می‌کنم. ما کرسی‌های نظریه‌پردازی داریم. افراد می‌آیند نظرشان را می‌دهند. تا الان هم نزدیک به ۴۰ نظریه داشته‌ایم. شما می‌آیید. اصلاً من کسی را معرفی می‌کنم به شما تا کمک کند. مطلب‌تان را در ۱۵ تا ۲۰ صفحه می‌نویسید یا صحبت می‌کنید. ما ناقد می‌گذاریم برای مطلب شما و سه چهار نفر هم -البته با مشورت خودتان- داور تعیین می‌کنیم. شما نظرتان را مطرح می‌کنید-ولو در یک جلسه دوساعته- و هیچ کس هم حرف نمی‌زند. ناقدان نقد می‌کنند داوران داوری می‌کنند از اول جلسه هم برنامه ضبط می‌شود تا آخر. با صلاحدید خود شما پیش می‌کنیم.

محترمانه می‌گویم که حتی بیرون از کشورند یک کسی را معرفی کنند و بگویند ایشان نظر من را منعکس می‌کند - البته کسی باشد که قبول داشته باشند و نگویند نتوانسته نظر من را بیان کند- ما جلسه می‌گذاریم و این است که می‌شود مصداق فرمایش امیر حکمت و بیان «اضربوا بعض الرأى بعض يتولد منه الصواب.» آراء را به‌هم بزنید، صواب از آن دربیاید.

شما شاید بنده را بشناسید. بنده مورد هجمه برخی سنتی‌ها هستم. کتاب «فقه و قتل»، «فقه و عرف»، «فقه و صلحت»، «روش‌شناسی اجتهاد»، «فقه و حقوق قراردادها» پر از مطالب جدید مبلغ می‌زند. متأسفانه امروزه هم شاید به‌خاطر حرکات همین آقایان، آنها هم فعال شده‌اند. کار آنها اصلاً قرائت رسمی دین محسوب نمی‌شود. ما با عالمان سروکار داریم. جوان‌ها، نوجوان‌ها، ما توسط سه امام -در عصر غیبت- دعوت شده‌ایم. امام‌هادی (ع) که فرمودند: به علمایی مراجعه کنید که راهنمای به افکار ما و امام زمان هستند.

امام عسکری(ع) که فرمودند: به فقیهانی رجوع کنید که هم علما، هم نفسا سالم‌اند. و امام زمان (عج) که فرمودند: اما الحوادث الواقعة. حالا طبق روایتی که است فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا یا احادیثنا. امیدواریم خداوند بزرگ به ما توفیق اطاعت و بندگی عنایت کند و ما را از خدمتگزاران دینش قرار دهد.

خیلی از آرای فقهی قابل نقد است، دیگر بگذریم از حرفی که

فلان مداح، فلان طلبه یا فلان

مبلغ می‌زند. کار آنها اصلاً قرائت

رسمی دین محسوب نمی‌شود. ما

با عالمان سروکار داریم. جوان‌ها،

نوجوان‌ها! ما توسط سه امام -در

عصر غیبت- دعوت شده‌ایم.

امام‌هادی(ع) که فرمودند: به

علمایی مراجعه کنید که راهنمای

به افکار ما و امام زمان هستند.

امام عسکری(ع) که فرمودند: به

فقیهانی رجوع کنید که هم علما،

هم نفسا سالم‌اند. و امام

زمان(عج) که فرمودند: اما

الحوادث الواقعة. حالا طبق

روایتی که است فارجعوا فیها الی

رواه حدیثنا یا احادیثنا